





نشست راهبردی معیشت و اشتغال

رابطه شغل و شأن و مترت طلاب

نشست دوم

۵ آبان ۱۳۹۹



سرشناسه: مرکز مطالعات راهبردی، حوزه و روحانیت.  
عنوان: نشست راهبردی معیشت و اشتغال (رابطه شغل و شأن و منزلت طلاب)  
مشخصات ظاهری: ۱ جلد  
یادداشت: کتابنامه  
موضوع: نشست راهبردی معیشت و اشتغال، رابطه شغل و شأن و منزلت طلاب (نشست دوم)

**نشست راهبردی معیشت و اشتغال**  
**رابطه شغل و شأن و منزلت طلاب**  
**(نشست دوم)**

مؤلف: مرکز مطالعات راهبردی حوزه و روحانیت  
ناشر: مرکز مطالعات راهبردی حوزه و روحانیت  
صفحه آرا: رحمان خضریلو



کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است  
مراکز پخش: قم، خ دانش، مدرسه صدوقی فاز ۷، طبقه سوم  
مرکز مطالعات راهبردی حوزه و روحانیت

## خلاصه مدیریتی

✓ در شرایط کنونی یکی از چالش‌های جدی حوزه علمیه، ورود طلاب در شغل‌هایی است که احساس می‌شود با شأن و جایگاه روحانیت تناسب ندارد.

✓ حدود جمعیت روحانیون بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار نفر است. متأسفانه تدبیر منسجمی جهت شغل مناسب آن سنجیده نشده است. از این روی از سوی ورود طلاب در بسیاری از نهادها ضمن تراکم جمعیت، بدون آموزش‌های لازم بوده و از سوی دیگر بسیاری از ارگان‌های لازم، تأمین نیرو نشده‌اند.

✓ تفکیک دوران تحصیل از نقش‌آفرینی، تفکیک شهرهای بزرگ از شهرهای کوچک و نوع نگرش نسبت به مدل حضور و تأثیرگذاری سه مؤلفه اساسی در انتخاب نوع شغل و کیفیت ورود طلبه در مشاغل گوناگون است.

✓ برای نظام مطلوب حوزه بایستی تفکیک بین دوران تحصیل و دوران نقش‌آفرینی صورت گیرد. هرچند طلبه در دوران تحصیل مرجعیت کافی در جامعه را

ندارد، اما با تفکیک این دو مقطع می‌توان برنامه‌های خوبی در راستای تأمین معیشت طلاب رقم زد.

✓ شش عامل اساسی موجب شده است طلاب در مشاغل غیر طلبگی ورود کنند که عبارت‌اند از:

۱- مقایسه؛

۲- از بین رفتن مرز میان مقدس و نامقدس؛

۳- عدم کفایت شهریه طلبگی؛

۴- احساس هویت و اعتماد به نفس؛

۵- توجیهات دینی؛

۶- پشتوانه مالی برای رسالت‌های

حوزوی

✓ برای ورود طلاب در مشاغل گوناگون، باید معیار سنجش وجود داشته باشد. اگر معیار سنجش رعایت شود، شأن و منزلت روحانیت نیز در معرض آسیب نخواهد بود.

✓ مهم‌ترین معیار سنجش فعالیت‌های طلبه، هویت صنفی طلبگی است. در واقع اگر طلبه به هویت صنفی خود توجه داشته باشد، می‌تواند بسیاری از اقدامات و

فعالیت‌های خودش را ارزیابی نموده و نسبت به انجام یا عدم انجام آن تصمیم‌گیری نماید.

✓ هویت صنفی طلبگی، عالم دین بودن است. تمایز طلبه و دانشجو نیز در همین معنا خلاصه می‌شود.

✓ پنج اقدام مهم جزء کار ویژه‌های طلبه محسوب می‌شود:

۱- تعلیم دین؛

۲- تبلیغ دین؛

۳- تحقیق در دین؛

۴- تربیت انسان‌ها با محوریت مبانی دین؛

۵- تحقق دین در سطح کلان.

✓ طلبه بایستی در مسیر زندگی دقت کند که آبروی اجتماعی روحانیت که تاکنون به دست آمده است را حفظ نماید. حفظ این آبروی اجتماعی در قالب تعهد نسبت به کار ویژه‌های طلبگی، شأن و منزلت طلبه محسوب می‌شود.

✓ در تبیین شأن و منزلت طلبه، بایستی بین کارهای عجیب و سبک تفاوت قائل شد. کار سبک، کاری است که از پشتوانه

حکیمانه‌ای برخوردار نیست و یا اینکه مردم از حکمت آن آگاه نیستند. اما کار عجیب به کاری می‌گویند که مردم پس از اندک تأملی به حکمت آن پی می‌برند. ✓ هفت اقدام مهم برای مقابله با بحران هویت طلاب و نیز اشتغال آن‌ها صورت گرفته که عبارت‌اند از: راه‌اندازی برنامه میثاق طلبگی، برنامه‌ریزی برای آمایش نقش‌های روحانیت، راه‌اندازی طرح هدفمندی ارائه خدمات، تکمیل نظام مهارتی، راه‌اندازی برخی از نظام‌های صنفی روحانیت



## فهرست

- خلاصه مدیریتی.....۵
- ۱- تبیین صورت مسأله:.....۱۷
- ۲- شیوه‌های تأمین معیشت طلاب.....۱۹
- ۱- تأمین منابع مالی.....۱۹
- ۲- تأمین معیشت از طریق انجام رسالت‌های صنفی...۲۰
- ۳- احیاء موقوفات.....۲۰
- ۳- گزارش وضعیت شغلی طلاب.....۲۱
- ۴- مؤلفه‌های اثرگذار در انتخاب شغل.....۲۸
- ۴-۱- تفکیک دوران تحصیل از نقش‌آفرینی.....۲۸
- ۴-۲- تفکیک شهرهای بزرگ از شهرهای کوچک...۲۸
- ۴-۳- تفکیک فعالیت‌های داوطلبانه از فعالیت‌های مستمر
- .....۲۹
- ۴-۴- نوع نگرش نسبت به مدل حضور و تأثیرگذاری.....۳۰
- ۵- عوامل ورود طلاب در شغل‌های غیر طلبگی.....۳۱
- ۱- مقایسه.....۳۱
- ۲- از بین رفتن مرز میان مقدس و نامقدس.....۳۲
- ۳- عدم کفایت شهریه طلبگی.....۳۲
- ۴- احساس هویت و اعتماد به نفس:.....۳۲
- ۵- توجیحات دینی.....۳۳
- ۶- پشتوانه مالی برای رسالت‌های حوزوی.....۳۳
- ۶- معیار ارزیابی اشتغال طلاب.....۳۴
- ۶-۱- مفهوم شناسی شأن طلبگی.....۳۴
- ۶-۱-۱- شرایط اضطرار.....۳۵

۲-۱-۶- شرایط عادی..... ۳۵

۲-۶- هویت صنفی طلبگی..... ۳۶

۱-۲-۶- پاسخ به شبهات پیرامون هویت صنفی طلبگی ۴۴

۲-۲-۶- ملاحظات بحث هویت صنفی طلبگی..... ۴۸

۷- اقدامات صورت گرفته برای مقابله با بحران هویت

طلبه و اشتغال طلاب..... ۵۱

## بسم الله الرحمن الرحيم

روحانیت شیعه در تاریخ پرفراز و فرود خود از ابتدای غیبت خورشید ولایت، حجت بن الحسن امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تاکنون، کارنامه درخشانی در ایفای رسالت الهی خویش بر جای گذاشته و توانسته به خوبی از مکتب اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم) پاسداری نماید.

با پیروزی انقلاب اسلامی مردم ایران و تبدیل جهان دوقطبی آن روز به تقابل دوگانه «اسلام و استکبار» در جهان معاصر، حوزه‌های مقدس علمیه و روحانیت شیعه وارد مرحله جدیدی از حیات خود شد. تبیین و ترویج و اقامه دین به عنوان رسالت اصلی این نهاد مقدس ابعاد جدیدی همچون جامعه پردازی، نظام سازی اسلامی و ساخت تمدن نوین اسلامی پیدا کرد و نقش و کارکرد آن بسیار گسترش یافته و متحول شد.

پیشرفت‌های علمی چشم‌گیر، به وجود آمدن فناوری‌های اعجاب‌آور همچون فناوری‌های فضای مجازی و تحولات سریع و گسترده در عرصه‌های مختلف زندگی از یک سو و مقابله با تمدن سرمایه سالار و استکباری و سبک زندگی غرب و دفاع در مقابل هجوم مدرنیته به تمام

تاروپود زندگی جوامع اسلامی از دیگر سو، وظایف روحانیت را در پاسخگویی به نیازهای جامعه و نظام از پایگاه دین و انجام رسالت خود سنگین تر و گسترده تر کرده است.

حوزه‌های علمیه و روحانیت شیعه باید همواره بافراسمت در هر زمان در راستای رسالت تاریخی خود و منطبق با اقتضات زمانه نقش و وظایف خود را دریابد و با آینده‌نگری همواره چند قدم جلوتر از حوادث حرکت کند. معمار بزرگ انقلاب حضرت امام خمینی (سلام‌الله‌علیه) در منشور روحانیت به این نکته تصریح کرده و می‌فرماید:

حوزه‌ها و روحانیت باید نبض تفکر و نیاز آینده جامعه را همیشه در دست خود داشته باشند و همواره چند قدم جلوتر از حوادث، مہیای عکس‌العمل مناسب باشند. چه بسا شیوه‌های رایج اداره امور مردم در سال‌های آینده تغییر کند و جوامع بشری برای حل مشکلات خود به مسائل جدید اسلام نیاز پیدا کند. علمای بزرگوار اسلام از هم‌اکنون باید برای این موضوع فکری کنند.

حوزه و روحانیت برای آنکه بتواند خود را برای تحولات آینده آماده کند نیازمند انجام مطالعات راهبردی است. از این رو تأسیس مرکز مطالعات

راهبردی حوزه و روحانیت که به صورت مستمر به رصد مسائل حال و آینده این نهاد مقدس بپردازد و با انجام مطالعات راهبردی، راهبردها و سیاست‌های مناسب و به هنگام را به تصمیم‌گیران پیشنهاد دهد ضرورتی غیرقابل انکار دارد. از این رو، تأسیس چنین مرکزی از سال‌ها پیش مورد توجه مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (دام‌الله‌ظله‌الشریف) بوده و در دوره اخیر مدیریت حوزه‌های علمیه نیز در اولین دیدار خود با اعضای محترم شورای عالی تأسیس چنین مرکزی را مطالبه فرمودند.

در پاسخ به این مطالبه ایشان، مرکز مطالعات راهبردی حوزه و روحانیت در اواخر سال ۱۳۹۶ در مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه تأسیس شد و علیرغم تمام مشکلات مادی و غیرمادی برای استقرار و شکوفایی آن تلاش شده است تا با عنایات حضرت ولی‌عصر (عج) بتواند به جایگاه بایسته خود نائل شود.

مرکز مطالعات راهبردی حوزه و روحانیت فعالیت‌های خود را تحت اشراف شورای سیاست‌گذاری به ریاست مدیر محترم حوزه‌های علمیه و متشکل از دو تن از نمایندگان شورای عالی حوزه‌های علمیه و برخی از اعاضل منتخب

انجام می‌دهد. این مرکز متشکل از سه گروه حوزه، نظام و جامعه است. در هریک از این گروه‌ها با رصد مسائل راهبردی به انجام پژوهش‌های راهبردی، تهیه گزارش‌های راهبردی و تشکیل اتاق‌های فکر، کارگروه‌های علمی و برگزاری نشست‌های علمی در راستای رفع نیازهای راهبردی حوزه و روحانیت پرداخته می‌شود.

در راستای اهداف این مرکز و با توجه به ضرورت و اهمیت مسأله معیشت و اشتغال طلاب و مشکلاتی که در این زمینه گریبان‌گیر حوزه شده است مرکز مطالعات راهبردی حوزه و روحانیت، با همکاری مرکز خدمات، سلسله نشست‌هایی را حول مقوله اقتصاد و معیشت، برگزار کرده است. دومین جلسه از این نشست‌ها با حضور جمعی از فرهیختگان و اساتید حوزه، حول موضوع رابطه اشتغال با شأن و منزلت طلاب برگزار شده است. حاضران در این نشست حجج‌اسلام آقایان: دکتر معصوم نیا، دکتر صادق‌نیا، دکتر رهدار، دکتر صفا و دکتر فلاح بودند، در این نشست از یک‌سو شیوه‌های تأمین معیشت طلاب و مؤلفه‌های مؤثر در انتخاب شغل و نگرش‌های متفاوت در خصوص آن،

موردبررسی قرار گرفت و از طرف دیگر به شناخت و مفهوم شناسی شأن و منزلت طلبگی و هویت صنفی پرداخته می‌شود، که گزارش تحلیلی و راهبردی آن تقدیم می‌گردد.

امید آنکه این تلاش گروهی موردقبول درگاه الهی و امضاء حضرت ولی عصر حجت بن الحسن ع قرار گیرد و پژوهش انجام‌شده، زمینه‌ساز تصمیم‌های دقیق، صحیح و تحول‌آفرین برای فردای حوزه‌های مقدسه علمیه و روحانیت مجاهد و انقلابی تشیع باشد.

معاونت برنامه‌ریزی و ارزیابی مرکز خدمات  
حوزه‌های علمیه / مرکز مطالعات راهبردی حوزه  
و روحانیت





## ۱- تبیین صورت مسأله:

با ظهور انقلاب اسلامی و ورود حوزه‌های علمیه در شرایط جدید، بسیاری از طلاب در مشاغل گوناگون ورود کرده‌اند. طلبه پس از گذر زمان احساس می‌کند که نمی‌تواند معیشت خود را به‌طور کامل، تأمین نماید، به همین دلیل به دنبال انتخاب شغل برای کسب درآمد می‌افتد. گاهی احساس می‌شود برخی از کارهایی که طلاب به‌عنوان شغل انتخاب می‌کنند، با شأن و منزلت ایشان منافات دارد. سؤال این است: آیا ورود طلاب در این مشاغل با شأن و منزلت ایشان مخالفتی ندارد؟ با چه معیارهایی می‌توانیم شغل‌های مناسب و غیر مناسب را ارزیابی کنیم؟ در شرایط کنونی برخی از طلاب در مشاغلی همچون باشگاه کشاورزی، مسافركشی، برق‌کشی و... ورود می‌کنند، آیا این ورودها مناسب شأن طلاب هست یا خیر؟ برخی مشاغل که ورود طلاب در آنها شایع است، نمایندگی ولی‌فقیه و نهادهای نظامی است، آیا ضرورتی ندارد که در این‌گونه مشاغل پیرامون شأن و منزلت طلاب سخن گفته شود؟ معیار ارزیابی مشاغل ناظر به جایگاه حوزه و شأن طلبه چیست؟ بعضی از طلاب ابراز می‌کنند که نگاه

جامعه به طلاب نگاه مناسبی نیست، از این روی  
ضروری است که برای تأمین معاش، روی پای  
خود بایستیم و اقدام عملی انجام دهیم. آیا این  
تلقی در شرایط کنونی صحیح است یا خیر؟

## ۲- شیوه‌های تأمین معیشت طلاب

حوزه‌های عملیه برای تأمین معیشت طلاب، از سه شیوه استفاده می‌کنند:

### ۱- تأمین منابع مالی

یکی از راه‌های تأمین معیشت طلاب، تزریق منابع مالی به سوی طلاب است. بر اساس بیان برخی از بزرگان حوزه، منابعی که تاکنون از طریق دولت به حوزه علمیه می‌رسید، صفر شده است. آیا این شیوه گزینش طلاب و تأمین معیشت ایشان که هم‌اکنون جاری است، صحیح است؟ بدون تردید این شیوه در دوره پس از انقلاب اسلامی غلط خواهد بود و ضروری است تدبیر دیگری اندیشیده شود.

مسئولیت و کارکردهای حوزه‌های علمیه پس از انقلاب اسلامی متفاوت شده است. قبل از انقلاب، حاکمیت هرگونه اقدامی را صورت می‌داد، مسئولیت آن با خود او بود. اما هم‌اکنون مسئولیت‌های حوزه متفاوت شده است. اساساً در شرایط کنونی حوزه علمیه، نمی‌تواند خود را نسبت به دغدغه‌های انقلاب کنار بکشد. با این بیان، شأن و منزلت طلاب نیز پس از انقلاب اسلامی متفاوت شده است. بنابراین بسیاری از مشاغلی که در گذشته برای طلاب مخالف شأن

و منزلتشان بود، هم‌اکنون موجب ترقی و رشد جایگاه او می‌شود. در نتیجه شیوه تأمین مستقیم منابع مالی، روش مناسبی برای حل و فصل معیشت طلاب نیست.

## ۲- تأمین معیشت از طریق انجام رسالت‌های

### صنفی

یکی دیگر از راه‌های تأمین معیشت طلاب، تعهد عملی به امورات صنفی حوزوی، همچون تدریس، تبلیغ، تحقیق و... می‌باشد. از سویی، جایگاه و منزلت طلبه حفظ می‌شود و از سوی دیگر معیشت او تأمین خواهد شد. در حال حاضر، تقاضا از بیرون حوزه نسبت به این امور وجود دارد، در مقابل طلاب بسیاری نیز آماده ارائه خدمت هستند، اما متأسفانه حوزه، راهبری خاصی را در این راستا انجام نمی‌دهد. به همین خاطر طلاب به صورت شخصی ورود کرده‌اند.

## ۳- احیاء موقوفات

### ۳- گزارش وضعیت شغلی طلاب

پس از انقلاب اسلامی یکی از نقش‌هایی که روحانیت باید ورود می‌کرد، ساختارهای اجتماعی و تربیت طلبه برای مدیریت‌های اجتماعی بود. مانند امام محله، امام جماعت، امامت جمعه و... متأسفانه تراکم حضور روحانیت در مدیریت‌ها چه به لحاظ آموزش‌های حوزوی و چه به لحاظ فعالیت‌های عملی خود طلاب، بسیار کم‌رنگ است.

در حال حاضر سازمان تبلیغات و مرکز مدیریت بیش از ۸۰ میلیارد تومان پول را دریافت می‌کند. این مبالغ به جهت حمایت از روحانیون مناطق روستایی و محروم، راه‌اندازی مدارس سفیران هدایت و... می‌باشد. اما متأسفانه حتی در حوزه تربیت امام‌جمعه یا نماینده ولی‌فقیه، دوره آموزشی یا پک آموزشی مناسبی دیده نمی‌شود. گزارش آمار نفرات طلبه‌ها بدین شرح است: در دوره مرحوم شیخ عبدالکریم حائری مجموع طلاب به حدود هزار نفر می‌رسید. این تعداد در دوران آیت‌الله بروجردی به شش هزار می‌رسد. پس از انقلاب اسلامی، تعداد طلاب رشد چشمگیری پیدا می‌کند و عدد آن دورقمی می‌شود. در حال حاضر این تعداد، ۲۰ برابر شده

است. حدود جمعیتی بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار نفر طبق آمار مرکز خدمات ذکر شده است. هرچند که آمار دقیقی در بانک اطلاعاتی حوزه موجود نیست.

متناسب با آمار روحانیت، تدبیر مناسبی برای شغل و مناصبشان چیده نشده است. پس از انقلاب، فعالیت اجتماعی حوزه با دفتر تبلیغات آغاز شد و اولین رسالت روحانیت در ساختار مدیریتی، توجیه مردم روستاها و مناطق کشور بوده است که بتوانند آراء مردم را نسبت به جمهوری اسلامی جذب نمایند. این اقدام به عنوان اولین نقش آفرینی طلاب، در دارالتبلیغ شکل گرفته بود. پس از جریان جنگ، همان افراد برای اعزام مردم و فعالیت در عرصه جنگ فعال شدند. در واقع نقش آفرینی‌ها متناسب با مسائل جامعه شکل می‌گرفت. سپس امام بزرگوار مطالبه حضور روحانیت در دستگاه‌های قضایی کشور را مطرح کردند و نتیجه آن حضور ۲۰ درصد روحانیت در سیستم قضایی کشور می‌باشد.

نظام جذب و گزینش روحانیت در برخی از سازمان‌ها، از انسجام بیشتر برخوردار بوده است. مانند نمایندگی ولی فقیه، عقیدتی سیاسی

نیروهای نظامی و انتظامی که حدود ۱۰ هزار نفر از طلاب در آن دستگاه‌ها مشغول هستند. حدود دو هزار نفرشان بازنشسته هستند، حدود دو هزار نفر نیز نیروهای پاره‌وقت هستند.

بسیاری از طلاب، در نظام آموزش و پرورش مشغول به فعالیت هستند. در یک دورانی که ظرفیت حضور روحانیون فراهم‌تر شده بود، حدود ۵ هزار نفر در سیستم آموزش و پرورش مشغول شدند. البته کثرت یا قلت حضور روحانیون در نهادها وابسته به ایجاد ظرفیت و پشتیبانی سازمان تبلیغات از حضور ایشان می‌باشد. به‌عنوان نمونه در دوره جناب آقای خاموشی حضور روحانیت در سازمان تبلیغات پشتیبانی نمی‌شد و ستاد اقامه نماز نقش پشتیبانی را به‌جای سازمان تبلیغات ایفا می‌کرد. ستاد اقامه نماز در حال حاضر، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مجموعه‌هایی است که زمینه حضور روحانیون در سازمان‌ها را فراهم می‌کند.

البته این ستاد، ساختار منسجم قانونی ندارد. اما تلاش نموده در یک ساختار مناسبی در بیش از هشتاد سازمان و وزارتخانه تهران روحانی مستقر کند. متأسفانه روحانیونی که مستقر شده‌اند، هیچ‌گونه مراحل آموزشی را طی

نکرده‌اند و سازوکار مناسبی نیز برای گزینش طلاب وجود ندارد. در سایر استان‌ها نیز در بیش از چهل سازمان روحانی مستقر وجود دارد. در بخشی از استان‌ها در بیش از چهل تا سازمان و اداره، روحانی مستقر می‌باشد.

در حوزه مساجد، بیش از هفده مجموعه نقش‌آفرینی می‌کنند. در این حوزه بانک اطلاعاتی بسیار ضعیفی وجود دارد. هنوز آمار منسجمی برای تعداد روحانیون مستقر در مساجد در دسترس نیست.

در زندان‌ها بیش از ۸۰۰ روحانی فعال هستند که به‌صورت تمام‌وقت نقش‌آفرینی می‌کنند. در وزارت نفت، حدود ۱۰۸۰ روحانی که به‌صورت مناسبتی و پاره‌وقت برای اقامه نماز جماعت ایفای نقش می‌کنند.

آمار طلاب شاغل در سیستم مدیریتی حوزه: در عرصه پژوهش حدود ۱۸۰ موسسه و مرکز پژوهشی ثبت‌شده است. از این تعداد، تنها ۱۰ مورد از حوزه مجوز برای فعالیت گرفته‌اند. برخی دیگر نیز مراکز پژوهشی سایر سازمان‌ها همچون دفتر تبلیغات، معاونت پژوهشی جامعه المصطفی و... هستند. در حوزه استادی بسیاری از اساتید حوزه، به‌صورت سالیانه ریزش می‌کنند. هر سال



تعدادی از اساتید نقش استاد را ترک کرده و به دلیل برخی ملاحظات، وارد نقش‌های دیگر می‌شوند. اگر اساتید از دایره آمار خارج شوند، مجموع شاغلین در مراکز پژوهشی، مرکز خدمات، مرکز مدیریت و... حدود ۸ هزار نفر می‌شوند. از این ۸ هزار نفر، بخش قابل توجهی روحانی نیستند.

اگر بودجه مجموعه حوزه را مطالعه نماییم، حدود ۴۰ درصد بودجه حوزه، مربوط به بودجه‌های عمرانی یا فناوری می‌شود. با این شرایط در برخی از دولت‌ها که به صورت سلیقه‌ای برخورد می‌شود، حضور روحانیت در نهادها و ارگان‌ها، مثلاً هیئت علمی تسهیل نمی‌شود. هم‌اکنون حضور روحانیون در هیئت علمی دچار توقف شده است.

در گذشته در سیستم حوزه نظام اجازات وجود داشته است. سپس نظام اجازات در مدرنیته به نظام مدرک تبدیل شده است. در نظام‌های غربی (مثلاً در پاریس) اساساً برای ادامه تحصیل نیاز به مدرک نیست. حتی از همان ابتدا لازم نیست محصل در کنکور شرکت کند. درس‌هایی به صورت آزاد برگزار می‌شود و پس از آن امتحان بسیار سختی در ترم برگزار می‌شود. اگر فردی

به صورت فعال در کلاس درس حضور پیدا کرده باشد و مطالب را به خوبی فهمیده باشد، می تواند در کلاس دوم و سوم نیز به همین ترتیب شرکت نماید.

یکی از آزمون های استخدامی در کشور، آزمون آموزش و پرورش است که بر اساس قانون این آزمون، از طریق دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه شهید رجایی اجراء می شود. اما کشور در سال های اخیر به دلیل پیری جمعیت و مواجهه با بازنشسته های آموزش و پرورش، باید خارج از ظرفیت نود هزار نفری، نیرو جذب کند. طبق ماده ۲۸ اساسنامه اجازه داده شد که از طریق آزمون استخدامی، فارغ التحصیلان حوزه علمیه نیز در آزمون استخدامی شرکت کنند. در واقع نقش آفرینی آن ها در آموزش و پرورش منوط به قبولی در آزمون کتبی، مصاحبه و گذراندن یک سال دوره مهارتی برای همه قبول شدگان است. بنابراین اگر بستر حضور روحانیون در آموزش و پرورش توسط حوزه فراهم شود، روحانیونی که مدرک متناسب داشته باشند یا مطالعات آزاد متناسب داشته باشند، می توانند در امتحانات شرکت کرده و از نمره قبولی نیز برخوردار شوند. در سال گذشته ۸ هزار نفر طلبه

در آزمون استخدامی شرکت کردند. هزار نفر در آزمون کتبی قبول شدند. از این هزار نفر، ۴۰۰ نفر در مصاحبه شرکت کرده و وارد دوره‌های یک‌ساله مهارتی شدند. دو نفر از آن‌ها در رشته ادبیات فارسی قبول شدند. بعضی از اعضاء شورای عالی، حوزه علمیه ورود بخشی از فارغ‌التحصیلانش را در سازمان آموزش و پرورش نپذیرفت. از همین روی، با پیگیری‌های متعدد و رفت‌وآمدهای بسیار، سهمیه اختصاصی برای طلاب مشخص شد. همانند قوه قضاییه که در حال حاضر، سیستم ورود طلاب با دانشجویان متفاوت است. بر این اساس حوزه خود را موظف می‌داند که مقدمات و آموزش‌های لازم را به طلبه ارائه نموده و طلبه را برای ورود در این عرصه تربیت نماید.

#### ۴- مؤلفه‌های اثرگذار در انتخاب شغل

طلاب به هر دلیلی سراغ مشاغل متنوع می‌روند. مؤلفه‌هایی در نوع شغل و کیفیت ورود طلبه در آن شغل اثرگذار است که عبارت‌اند از:

##### ۴-۱- تفکیک دوران تحصیل از نقش آفرینی

طلبه دارای دو دوران تحصیل و نقش آفرینی است. به‌طور طبیعی اشتغال طلبه در دوران تحصیل، متفاوت از دوران نقش آفرینی است. انتظار مردم نیز از طلبه محصل با طلبه معممی که آماده نقش آفرینی است متفاوت است. رهبر معظم انقلاب در سال ۸۵ در دیدار هیئت‌امناي مرکز خدمات فرمودند: «سعی کنید برای طلابی که در حال تحصیل هستند، یک کار متناسبی مانند نسخه‌نویسی در کتابخانه فراهم نمایید.» هرچند طلبه در دوران تحصیل مرجعیت لازم را ندارد. اما می‌توان با تفکیک این دو دوره برنامه‌های خوبی را برای هر یک از این دوره‌ها برای طلاب در نظر گرفت.

##### ۴-۲- تفکیک شهرهای بزرگ از شهرهای

##### کوچک

کیفیت حضور، نقش آفرینی و قضاوت مردم پیرامون طلبه‌ها در شهرهای کوچک با شهرهای بزرگ متفاوت است. به‌عنوان نمونه طلبه‌ای در

یک از شهرهای کوچک مشغول به کله‌پاچه فروشی بود. امور صیانتی حوزه او را خواسته بود و با او برخورد کرده و تذکر دادند. همین امر اگر در شهرهای بزرگ رخ دهد، شاید هیچ‌گونه واکنشی نسبت به عملکرد طلبه صورت نگیرد.

### ۳-۴- تفکیک فعالیت‌های داوطلبانه از

#### فعالیت‌های مستمر

در ادبیات جامعه مدرن، برای انسان‌ها اوقاتی را در نظر می‌گیرند که به فعالیت‌های داوطلبانه اختصاص پیدا می‌کند. به‌عنوان نمونه در سه کشور کانادا، آمریکا و استرالیا نوزده درصد مردم بخش زیادی از ساعاتشان را صرف مسائل داوطلبانه اعم از مذهبی، ورزشی، محیط‌زیست و... می‌کنند. برای روحانی نیز باید دو گونه فعالیت در نظر گرفته شود. بخشی از فعالیت‌های او به‌عنوان فعالیت‌های مستمرش باشد و بخشی دیگر به‌عنوان فعالیت‌های داوطلبانه تلقی گردد. رهبر معظم انقلاب در دیدار با مسئولان سازمان تبلیغات فرمودند: «طلاب در فعالیت‌های محیط‌زیستی و حمایت از حیوانات فعال باشند.» این فرمایش ایشان در واقع رهبری جریان‌های مردم‌نهاد است. در واقع ایشان خواستار آن است که رهبری فعالیت‌های خیریه‌ای و محیط‌زیستی

ذیل راهبری روحانیت باشد. در واقع به عنوان یک کار ویژه طلبگی آن را در نظر گرفته‌اند. هم‌اکنون اداره بیش از دو هزار مرکز نیکوکاری توسط روحانیت صورت می‌گیرد.

#### ۴-۴- نوع نگرش نسبت به مدل حضور و

#### تأثیرگذاری

یکی دیگر از مؤلفه‌هایی که تأثیر جدی بر انتخاب فعالیت و شغل برای طلبه اثرگذار است، نگرش او نسبت به مدل حضور و تأثیرگذاری است. در حال حاضر دو دیدگاه نسبت به این مقوله وجود دارد. برخی در سازمان روحانیت معتقدند صرف حضور طلاب در فعالیت‌های گوناگون، موجب هدایت‌گری می‌شود. بر این اساس نفس حضور طلبه در امکان مختلف، فارغ از تأثیرگذاری بر مخاطب، مؤثر و لازم است.

اما برخی دیگر معتقدند نقش‌آفرینی روحانیت بایستی اقتدار آفرین باشد. صرف حضور یک طلبه در فضاهاى گوناگون کفایت نمی‌کند.

## ۵- عوامل ورود طلاب در شغل‌های

### غیر طلبگی

برخی از طلاب به صورت جدی در فعالیت‌هایی که هیچ‌گونه مناسبتی با رسالت طلبگی ندارند، ورود می‌کنند. پول‌های بسیار سنگینی را از مردم و طلاب جمع‌آوری می‌کنند و به وسیله آن وارد بازار و فعالیت‌های اقتصادی می‌شوند. عوامل ورود طلاب در این‌گونه فعالیت‌ها به شرح ذیل است:

#### ۱- مقایسه

فقر مفهوم نسبی دارد. گاهی طلبه وضعیت خودش را با بدنه جامعه مقایسه می‌کند، در این صورت میزان فقیر بودن و نیازمندی‌های خود را درک می‌کند. سطح معیشتی عموم جامعه در ایران بالا رفته است. حتی نسبت به کشورهای غربی نیز بالاتر است. در اروپا و آلمان وقتی فرد می‌خواهد خرج اضافه‌ای بکند، دقیق حساب و کتاب می‌کند. اما در قشر زیادی از مردم ایران (به استثناء این چند سال اخیر) این‌گونه نیست. در چنین شرایطی طلبه و خانواده او موقعیت خود را با دیگران مقایسه می‌کنند و متوجه فاصله قابل توجهی که در بینشان وجود دارد می‌شوند. سپس طلبه خود را در اضطرار

می‌بیند و نسبت به انتخاب شغل‌های گوناگونی که پیش روی اوست فکر می‌کند و سپس دست به اقدام می‌زند.

۲- از بین رفتن مرز میان مقدس و نامقدس متأسفانه در جامعه ایرانی، مرز بسیاری از مقدسات و نامقدسات از بین رفته است. به‌عنوان نمونه پنجاه سال پیش نمکی در کوچه‌ها فریاد می‌زد و نان خشک مردم را جمع‌آوری می‌کرد و در عوض آن نمک می‌داد. دلیل آن این بود که نان و نمک مقدس بودند و خرید و فروششان در عرف مردم جایز نبود. اما الآن مردم نمک را از سوپر می‌خرند و نان خشک‌ها را نیز می‌فروشند. اکنون حال طلاب نیز همین‌گونه است. متأسفانه یکی از دلایلی که طلاب سراغ هر شغلی می‌روند آن است که طلبه هویت طلبگی خود را مقدس نمی‌شمرد.

### ۳- عدم کفایت شهریه طلبگی

#### ۴- احساس هویت و اعتماد به نفس:

بسیاری از طلاب به دلیل احساس بی‌هویتی در فضای طلبگی خود، وارد بورس می‌شوند. برخی از طلاب در گفتگوهای خود می‌گویند پس از ورود در بورس و انجام معاملات سهام، حس هویت بخشی در درون ایجاد می‌شد.



استعدادهای جدیدی را از وجودمان کشف می کردیم.

### ۵- توجیهات دینی

افراد نیازمند استقلال هستند و ائمه معصومین (ع) در سیره خود، به دنبال امرارمعاش بودند. برخی از علماء هستند که به فرزندان خود، سفارش می کنند که در کنار طلبگی، به یک فعالیت اقتصادی مشغول شده و استقلال مالی خود را حفظ نمایند.

### ۶- پشتوانه مالی برای رسالت های حوزوی

برخی از طلاب معتقدند چرا باید همیشه دستمان به روی مردم دراز باشد؟ چرا باید منتظر باشیم که آیا دفتر تبلیغات برای تبلیغات ما پرداختی دارد یا خیر؟ از طریق این فعالیتها علاوه بر رفع نیازهای شخصی، می توان با کسب درآمد مؤثر، پشتوانه مالی خوبی برای تبلیغ دینی ایجاد کرد.

## ۶- معیار ارزیابی اشتغال طلاب

یکی از مهم‌ترین معیارهایی که می‌توان کمک شایانی برای انتخاب شغل طلبه بکند، آگاهی او از شأن و هویت صنفی طلبگی است. بررسی شأن و منزلت طلاب و رابطه آن با اشتغال آن‌ها، نیازمند معیارهایی برای ارزیابی می‌باشد. نمی‌توان بدون معیار صحیح، شغل یک طلبه‌ای را زیر سؤال برد یا طلبه‌ای را از شغل خود منع نمود. به عبارت دیگر تناسب شغل طلبه با شأن و منزلت او، یک امر سلیقه‌ای نیست. از این‌روی ابتدا لازم است شأن و منزلت طلبه تعریف شده سپس شغل‌های گوناگون بر اساس آن سنجیده شود. بحث شأن و منزلت چه برای طلبه و غیر آن، در ادبیات دینی بسیار کم به آن پرداخته شده است. مختصری در کتاب الزکاة بحث شده است. اما خلاً یک بحث مبسوط بخصوص مرتبط با جایگاه طلاب وجود دارد.

### ۱-۶- مفهوم شناسی شأن طلبگی

شأن در لغت به معنای کار است. در اصطلاح به معنای منزلت، شکوه، عظمت، جایگاه، کلاس، پرستیژ و اعتبار اجتماعی بکار می‌رود. در معنای اصطلاحی آن، یک حالت مثبتی دیده می‌شود،

درحالی که در اصل ماده شأن، معنای مثبتی وجود ندارد؛ بلکه خنثی می‌باشد. در نتیجه مراد از شأن، همان کار است. در بحث موردنظر، مقصود کار طلبگی است که از آن به هویت صنفی طلبگی تعبیر می‌شود.

همان‌گونه که احکام شرعی دو گونه هستند: احکام اولیه و احکام ثانویه. بررسی شأن و منزلت طلاب نیز در دو حالت نیازمند بررسی است: حالت اول: بستر مطلوب و در شرایط عادی. حالت دوم: شرایط اضطرار

#### ۱-۱-۶- شرایط اضطرار

شرایط اضطرار همه احکام را تغییر می‌دهد. به‌عنوان نمونه شخصی وارد حوزه علمیه می‌شود، سپس پدر و نان‌آور خانواده‌اش فوت می‌کند، مادر او نیز در سنین پیری به سر می‌برد، در این شرایط به او توصیه می‌شود که نه تنها مجاز به ترک طلبگی است؛ بلکه بر او واجب است جهت تأمین معاش خانواده‌اش طلبگی را رها کرده و زندگی ایشان را سامان دهد.

#### ۲-۱-۶- شرایط عادی

در شرایط عادی چه کارهایی با شأن طلبه و هویت صنفی طلبگی سازگاری دارد؟ در شرایط عادی با چه معیارهایی شغل‌های گوناگونی که

پیش روی طلبه قرار دارد را ارزیابی نماییم؟ برای دستیابی به پاسخ این سؤال، ابتدا لازم است هویت صنفی طلبگی تبیین شود.

## ۲-۶- هویت صنفی طلبگی

اساسی‌ترین مشکل، پیش روی طلبه، بحران هویتی اوست. طلبه نمی‌داند در حوزه علمیه چه می‌خواهد بکند؟ اساساً چرا وارد حوزه علمیه شده است؟ در گذشته پیرامون هویت طلبه، میان علماء اتفاق نظر وجود داشته است. اما در عصر کنونی این اتفاق نظر مشاهده نمی‌شود. از سویی برخی از بزرگان معتقدند ورود طلبه در سیاست رسالت اوست، در مقابل برخی معتقدند ورود طلبه در سیاست نه تنها رسالت او نیست؛ بلکه خلاف شأن و منزلت او نیز می‌باشد. مبتنی بر دانش جامعه‌شناسی، انتظار مردم از روحانیت نیز مشخص نیست. بنابراین با توجه به اینکه بحث شأن و منزلت طلاب و اشتغال ایشان، متوقف بر روشن شدن هویت اوست. از این روی ابتدا به تبیین هویت صنفی طلبگی پرداخته می‌شود.

حوزه‌های علمیه، کانون پرورش عالمان دین است و بر اساس ارشاد مستقیم خدای متعال در آیه شریفه ۱۲۲ سوره توبه، برای تفقه در امر دین پدید آمده است. خروجی حوزه علمیه عالم دین

است. بنابراین خروجی حوزه علمیه، استاد اخلاق، اقتصاددان، جامعه‌شناس و... نیست. هرچند اگر عالم دینی قصد ورود در صحنه‌های اجتماعی را داشته باشد و بخواهد خدمات اجتماعی به جامعه ارائه کند، لازم است به صورت تخصصی در حوزه دین‌شناسی وارد گردد؛ اما اساس هویت او، عالم دین بودن است.

تفاوت حوزه علمیه با دانشگاه از همین جا آغاز می‌شود که خروجی دانشگاه الزاماً عالم دین نیست تا به اینجا که ممکن است هیچ‌گونه اطلاعی از دین نداشته باشد. به عنوان نمونه خروجی دانشگاه اقتصاددانی است که ممکن است از دین هیچ‌گونه اطلاعی نداشته باشد. اما طلبه‌ای که در حوزه علمیه مشغول تحصیل است و در رشته اقتصاد نیز متخصص است، اولاً عالم دین است و از پایگاه دین سخن می‌گوید، و ثانیاً ورودش در رشته اقتصاد از این جهت است که بتواند نظر دین درباره مسائل اقتصاد را ارائه نماید. بنابراین هویت صنفی طلبه، در عالم دین بودن خلاصه می‌شود.

عالم دینی یک رسالت بزرگ بر روی دوش خود قرار داده است که عبارت است از: اقامه دین. اقامه دین دارای لوازمی است:

- ۱- تعلیم دین؛
- ۲- تبلیغ دین؛
- ۳- تحقیق در دین؛
- ۴- تربیت انسان‌ها با محوریت مبانی دین؛
- ۵- تحقق دین در سطح کلان اجتماعی.

مجموع این پنج مورد کار ویژه‌های طلاب محسوب می‌شوند. از این روی وظایفی که بر روی دوش عالمان دین است، از این پنج مورد خارج نیست. در حقیقت تفاوت عالم دینی با غیر او در انجام همین پنج مورد است.

انقلاب اسلامی بستر بسیار خوبی را برای عینیت بخشیدن و تحقق دین در سطح کلان جامعه را برای حوزویان فراهم نموده است. لذا از حوزویان انتظار می‌رود که فعالیت‌های خود را متمرکز در شناخت و اقامه دین نماید. بنابراین تحصیلات حوزوی نیز باید به‌گونه‌ای باشد که خروجی حوزه که عالم دین است، یا مشغول اقامه دین باشد، یا به مقدمات آن که یکی از چهار مورد بیان شده است، اشتغال داشته باشد. با این بیان اگر طلبه‌ای مشغول مسافرکشی، فروش لباس در بازار و... باشد، این کار ربطی به رسالت طلبگی او ندارد. بنابراین توصیه اولیه برای این‌گونه طلاب آن است که انرژی، وقت و توان خود را

صرف یکی از موارد بیان شده کرده و ذخایر ارزشمند خود را معطل نگذارد.

گاهی به مناسبت‌های گوناگون طلاب را برای اردوهای جهادی دعوت می‌کنند و در یک منطقه دورافتاده او را برای کمک در کشاورزی، درو کردن گندم، برداشت زعفران و... فرامی‌خوانند. بر اساس آنچه بیان شد، تکلیف این‌گونه اردوهای جهادی روشن می‌گردد. این‌گونه فعالیت‌ها، هرچند از جهتی تمرین مجاهدت، اخلاص، ایستادگی و... می‌باشد، اما درواقع هیچ‌گونه سنخیتی با رسالت طلبگی ندارد. البته فعالیت‌هایی که از باب اضطرار صورت می‌گیرد را باید استثنا نمود. در برخی موارد حتی حکم واجب کفایی بر آن اطلاق می‌گردد. بنابراین مسئولان حوزه باید به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی نمایند که نیروی اندکی که وارد حوزه می‌شوند و خود را برای سربازی امام زمان (عج) آماده می‌دانند، از مسیر صحیح انحراف پیدا نکرده و آینده درخشانی را برای اسلام و دین به ارمغان آورند. درنهایت، طلبه یک عنصر فرهنگی تربیتی است که در عرصه دین، خدمات نرم عرضه می‌کند. بنابراین کار ویژه او نیز خدمات نرم خواهد بود.

اکنون تحقق این رسالت بزرگ توسط طلاب و فضلالی حوزه، نیازمند اعتبار و آبرو نزد مردم می‌باشد. اگر طلبه‌ای اعتبار کافی برای پیش برد اهداف دینی نزد مردم جامعه نداشته باشد، بدون تردید نخواهد توانست آن‌گونه که باید به اسلام و انقلاب اسلامی در مقیاس جهانی و بزرگ خدمت نماید. زیرا مردم شأن و جایگاهی برای او قائل نیستند. بنابراین اگر طلبه در جامعه اقدامی را صورت دهد که اعتبار اجتماعی او خدشه‌دار شود، این کار غلط بوده و برخلاف شأن و منزلت او می‌باشد. به این‌گونه اقدامات در عرف مردم ایران به کار سبک اطلاق می‌شود. کار سبک، کاری است که حکمتی در آن وجود ندارد یا اگر حکمتی دارد، حکمت آن آشکار نیست و مردم تلقی عمومی‌شان از کار این است که آن کار حکیمانه نیست. به‌عنوان نمونه اینکه طلبه به دلیل جذب جوانان، کلیپ‌های خود که با لباس روحانیت مشغول تقلید صدای حیوانات است را در فضای مجازی پخش نماید، کار سبکی است که از شأن و منزلت او می‌کاهد و در منظر عموم مردم کار مناسبی نیست. در این مثال جذب جوانان موضوعیت پیدا کرده؛ درحالی‌که جذب جوان برای انتقال پیام دین طریقت دارد. حال



که جایگاه روحانی خدشه‌دار شده است، دیگر انتقال پیام دین با موفقیت صورت نخواهد گرفت. امام صادق (علیه‌السلام) در این باره می‌فرماید: «ان الله تبارک فوض الی المومنین امور کلها و لم یفوض الیه ان یذل النفسه» خداوند همه چیز را به مؤمنین واگذار کرده است، اما به او اجازه نداده است که خودش را ذلیل کند. (آبروی اجتماعی خود را از بین ببرد.) خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «ان العزه لله و للرسول و للمومنین.» مفسرین ذیل این آیه شریفه فرموده‌اند که انسان در جامعه اسلامی دارای احترام است و با محترم بماند. گروهی از متصوفه به بهانه مبارزه با نفس، کارهایی انجام می‌دادند که مردم در جامعه برای ایشان احترام قائل نباشند. آن‌ها معتقد بودند اگر سایر انسان‌ها به آن‌ها احترام بگذارند، نفسشان جری شده و هوی و هوس‌های نفسانی بر آن‌ها مسلط خواهند شد. مرحوم شهید مطهری درباره این گروه می‌فرمودند: «این گروه دچار یک انحراف بزرگ اخلاقی شده‌اند.» بنابراین فعالیت‌های که شأن و آبروی اجتماعی طلبه را از بین می‌برد، ممنوع بوده و نباید نسبت به آن‌ها اقدام نماید.

در مقابل کارهای سبک، دسته دیگری از کارها هستند که عجیب به شمار می‌آیند. مقصود فعالیت‌هایی هستند که مردم تابه‌حال آن را ندیده‌اند. اما با وجود شگفت‌انگیز و جذاب بودن، با اندک تأملی به حکمت آن پی می‌برند. این‌گونه کارها برای روحانیت نه تنها جایز هستند؛ بلکه توصیه می‌شود که نسبت به انجام آن، اقدام نمایند. به‌عنوان نمونه اولین کسی که در قم کفش پاشنه‌دار پوشید امام خمینی(ره) بود. در زمان ایشان کفش نعلین در میان روحانیون رایج بود. در زمستان که برف می‌بارید و خیابان‌ها به‌صورت گل‌ولای می‌شد، حضرت امام در آن شرایط کفش پاشنه‌دار می‌پوشید و در درس حاضر می‌شد. پس از مدتی، شاگردان ایشان نیز همین رویه را ادامه دادند و آن‌ها نیز کفش پاشنه‌دار را جایگزین نعلین نمودند. شاید در نگاه اول، این اقدام عجیب به نظر برسد، اما با اندک تأملی با در نظر گرفتن شرایط انسان درک می‌کند که ایشان به خاطر شرایط این‌گونه کفش می‌پوشد.

مثال دیگر در عصر کنونی استفاده روحانیون و طلاب از لب تاپ و یا پروژکتور در منابر خود می‌باشد. این کار در عصر فعلی، هرچند عجیب

به نظر می‌رسد؛ اما انسان درک می‌کند برای تبلیغ معارف دینی باید از امکانات روز بهره گرفت و مردم نیز این حکمت را متوجه می‌شوند.

در زمینه انتخاب شغل نیز همین قاعده حاکم است. اگر جایگاه و اعتبار روحانیت خدشه‌دار می‌شود، نباید سراغ آن برود. اما اگر در وهله اول شغل موردنظر عجیب به نظر می‌رسد، اما مردم به حکمت آن پی می‌برند و توجیه مناسبی برای آن وجود دارد، در این صورت مانعی از انجام آن نیست؛ بلکه توصیه می‌شود انجام شود.

نکته پایانی پیرامون خدماتی است که از سوی روحانیت به مردم ارائه می‌شوند، اما جزء کار ویژه‌های او نیست. در گذشته حوزه‌های علمیه با محوریت مکتب‌خانه، الفبا را به بچه‌ها می‌آموختند، خط را به بچه‌ها می‌آموختند، خواندن قرآن و ... را نیز به بچه‌های آموزش می‌دادند. به‌مرور زمان آموزش و پرورش این موارد را متکفل شد. در واقع باری را از روی دوش حوزه برداشت و برای انجام رسالت اصلی خود فارغ‌تر شد. در واقع آموزش الفبا، جزء کار ویژه‌های روحانیت نبود. به همین خاطر آن را به دیگران سپرد. برخی از کارها هستند که در عصر کنونی، قابل برون‌سپاری است. در حال حاضر انتظارات

بسیار زیادی که از عالمان دین وجود دارد، نیروی انسانی و فرصت بسیار کمی برای انجام آن در حوزه موجود است.

فعالیت‌هایی همچون نماز میت، خطبه عقد و...، این نوع فعالیت‌ها بر عهده روحانیت نهاده شده و عرف از او انتظار دارد که آن‌ها را انجام دهد. علت آن نیز روشن است. زیرا پای احکام شرعی در میان است و روحانی در مسائل شرعی نسبت به دیگران آگاه‌تر است. بنابراین روحانی نسبت به دیگران در انجام این فعالیت‌ها اولویت بیشتری دارد.

#### ۱-۲-۶- پاسخ به شبهات پیرامون هویت

##### صنفی طلبگی

۱- برخی معتقدند پس از گذشت سال‌ها از انقلاب اسلامی، هنوز هویت طلبگی برای طلاب روشن نیست. در بسیاری از تصمیمات نمی‌تواند به صورت قاطع تصمیم‌گیری نماید. به جهت اینکه احتمال می‌دهد این اقدام او مخالف هویت و شأن طلبگی او باشد.

پاسخ این ابهام روشن است. هویت طلبگی، هویت عالمان دین است. کارهایی که مربوط به یک عالم دینی در جامعه می‌شود، بسیار روشن و قابل تشخیص است. شاید در برخی موارد مناطق

خاکستری وجود دارد که در مصادیق ایجاد تردید می‌کند، این‌گونه موارد طبیعی است. اما اینکه فردی از اساس، روشن بودن هویت طلبگی را انکار کند، خطا می‌باشد. به‌عنوان نمونه مفهوم آب که یکی از پرکاربردترین مفاهیم محسوب می‌شود، نسبت به مصادیق سه حالت دارد: برخی از مصادیق آب به‌صورت قطعی روشن هستند. مثل آب لیوان. دسته دیگری از مصادیق، به‌صورت قطعی از عنوان آب خارج هستند، مانند الکل. اما دسته آخر، مصادیق مشتبه هستند که در اینجا اصول عملیه جاری می‌شود.

هویت طلبگی نیز این‌گونه می‌باشد. در هویت طلبگی بایستی بر روی قسمت شفاف و روشن آن تکیه نمود. مواردی که انسان دچار شبهه می‌شود بسیار کم است. به‌عنوان نمونه اینکه آیا ورود طلبه در سیاست با هویت او سازگاری دارد یا خیر؟ در پاسخ باید گفت: آیا عالمان دینی در امور سیاسی دخالت می‌کردند یا خیر؟ آیا انبیاء نسبت به جامعه و مسائل سیاسی خود را کنار می‌کشیدند؟ قطعاً خیر. بنابراین هویت طلبگی بسیار روشن است.

۲- بر اساس علم جامعه‌شناسی هویت انسان، بر اساس انتظار نقش معنا می‌شود. بدین

بیان که باید دید جامعه چه انتظاری از روحانیت دارد، همان هویت اصلی روحانی را شکل می‌دهد. آیا این صحیح است؟ قطعاً خیر. حوزه بایستی بر اساس یک رسالتی، هویت خود را تعریف نماید و این هویت را در میان مردم گفتمان سازی کند. اگر قرار باشد هویت طلبگی به جامعه واگذار شود، برخی از انسان‌ها استخاره، تعبیر خواب و... را هویت طلبه می‌دانند. بنابراین رویکرد غلطی خواهد بود. نتیجه این رویکرد غلط، دامن زدن و پیگیری مطالبات نامشروع جامعه غیردینی می‌شود. بنابراین حوزه بایستی جامعه را با هویت خود آشنا نماید، تا مجبور نشود به خواسته‌های هرچند ناصحیح آن‌ها دامن بزند.

۳- برخی از مردم درباره خلاف شأن و منزلت تلقی متفاوتی دارند. به‌عنوان نمونه بازار رفتن و غذا خوردن یک طلبه را گاهی خلاف شأن او می‌دانند. آیا باید به این تلقی اعتنا کرد؟ تمایز به فعل سبک و عجیب پاسخ این پرسش است. بازار رفتن و غذا خوردن در منظر جامعه عجیب می‌باشد، اما سبک نیست. روایتی از امام صادق (علیه‌السلام) نقل شده است که حضرت یکی از اصحابشان را ملاقات کردند که بسته بزرگی از سبزی در دست گرفته بود. حضرت به او فرمودند

این را زمین بگذار. سپس فرمودند: شما دشمن زیاد دارد و جایگاه اجتماعی تان نباید سست شود. بنابراین حوزه باید تلقی مردم را اصلاح نماید.

۴- برخی از فعالیت‌ها، مانند رسیدگی طلبه به مردم در قالب مرکز خیریه اعتبار و آبروی طلبه را افزایش می‌دهد، اما در راستای کار ویژه طلبگی او نیست. با این گونه فعالیت‌ها چگونه باید مواجه شد؟ فعالیت ذکرشده، اگر وقت طلبه را به گونه‌ای بگیرد که او را از عنوان عالم دین خارج نماید، جایز نیست. مثلاً طلبه‌ای کارمند بهزیستی شده است. اتفاقاً کارمند خوبی هست اما طلبه خوبی محسوب نمی‌شود. این گونه اقدامات هرچند که آبرو اجتماعی روحانیت را افزایش دهد، اما خارج از هویت طلبگی محسوب می‌شود.

۵- هویت صنفی طلبگی یک امر عرفی است و نسبت به شرایط زمانه تغییر می‌کند. بنابراین نمی‌توان به آن تمسک نمود و یک تبیین قطعی ارائه داد. آنچه متأسفانه از آن غفلت می‌شود آن است که حکم ثابت می‌تواند موضوعش متغیر باشد. به عنوان نمونه در یک زمانی خون تمام منافعش محرم بود. به همین دلیل خرید و فروش آن نیز حرام بود. اما در شرایط کنونی موضوع عوض شده است. اما حکم ثابت است. جایگاه و

شأن اجتماعی طلاب نیز حکم ثابتی دارد که مصادیق آن به تناسب شرایط متفاوت می‌شود. مثلاً شغل هیئت‌علمی شدن برای برخی از طلاب در شرایط کنونی نه از باب رسالت طلبگی است بلکه به خاطر شهرت، مدرک و جامعه، است. لذا طلبه را از عنوان عالم دینی خارج می‌کند. همین شغل می‌تواند در موقعیت دیگری برای فرد دیگری حکم جواز پیدا کند.

طلبه رسالت و وظایف اصلی خودش را باید با محوریت عالم دینی تعریف نماید. اما باید فعالیت‌های جانبی را هم بشناسد. اینکه طلبه‌ای به‌صورت تمام‌وقت در کار خیریه ممحض شود، خروج از مقسم طلبگی است. اما اگر یک مرجع تقلید یا طلبه‌ای وظایف طلبگی خود را انجام دهد، سپس در حاشیه فعالیت‌هایش از اعتبارش استفاده کند، بیمارستان بسازد و خدمات اجتماعی ارائه کند، مطلوب است و این تیپ ایده آل طلبگی است.

## ۲-۲-۶- ملاحظات بحث هویت صنفی

### طلبگی

بر اساس آنچه بیان شد، هویت صنفی طلبگی از مهم‌ترین مباحثی است که می‌تواند معیار مناسبی برای انتخاب شغل طلبگی باشد. اینکه



طلبه بداند هویت او، عالم دین بودن است. بنابراین باید به کارهایی مشغول بشود که منافاتی با این جایگاه و شأنیت نداشته باشد.

#### ملاحظه اول:

روشن شدن تکلیف طلبه به جهت تأمین معاش زندگی است. طلبه با خلوص نیت وارد حوزه می‌شود، اما پس از ازدواج و... با هزینه‌های بسیاری مواجه می‌شود که باید به آن رسیدگی کند. حوزه باید برای تأمین معاش او راهکاری ارائه دهد. از سویی باید مسیر طلبگی را باقوت ادامه دهد، و از سوی دیگر هزینه‌های زندگی به او اجازه ادامه تحصیل موفق را نمی‌دهد. بنابراین ضروری است که راهکاری برای آن در نظر گرفته شود و تدبیری چیده شود.

#### ملاحظه دوم:

اگر شرایط مطلوب در نظر گرفته شود، ضروری است که طلاب بتوانند گفتمان‌های جامعه را برمدار هویت تاریخی و دینی خود تغییر دهند. باور جامعه به سمتی حرکت کند که از یک طلبه انتظار عالم دین بودن را داشته باشد. متأسفانه وضعیت موجود چنین اقتضایی را ندارد. عرف جامعه، طلبه را به سویی می‌کشاند که مجبور می‌شود به دنبال مدرک باشد، به دنبال عنوان دکتر به جای حجت‌الاسلام باشد، به دنبال

بهبود وضعیت معیشتی خود باشد و... . در واقع تمایلات جامعه، برای طلبه تمایلی ساخته است که طلبه را شبیه عرف می‌کند. عرف، قدسیت طلبه را اداره می‌کند. شرایط به گونه‌ای شده است که در حوزه، امورات قدسی و غیر قدسی در حال کم‌رنگ شدن است. ساختار حوزه نشانگر این کم‌رنگ شدن هست. بنابراین حوزه باید تلاش کند تا جامعه را به سمت وسوی آرمان‌ها سوق دهد، اما برای برنامه‌ریزی لازم است که شرایط موجود نیز در نظر گرفته شود.

## ۷- اقدامات صورت گرفته برای مقابله

### با بحران هویت طلبه و اشتغال طلاب

۱- راه‌اندازی فعالیتی تحت عنوان میثاق طلبگی که در ابتدای ورود به حوزه صورت می‌گیرد.

۲- یکی از مهم‌ترین اقداماتی که صورت گرفته، برنامه‌ریزی برای آمایش نقش‌های حوزویان در ساحت‌های گوناگون است. هرچند این آمایش در مراحل مقدماتی و صرفاً در مقام گفتگو و نظرخواهی است، اما گامی برای حرکت کردن به سمت مطلوب می‌باشد.

۳- راه‌اندازی طرح هدفمندی ارائه خدمات که در مرکز خدمات حوزه‌های علمیه کلید خورده است. بر اساس این طرح، خدمات ارائه‌شده به سازمان روحانیت در غیر از نقش تحصیلی برای شمول نقش‌آفرینی طلاب، نیازمند یک منطق حساب‌شده می‌باشد.

۴- تکمیل نظام مهارتی و آموزش‌های مهارتی برای پذیرفتن نقش‌های مختلف توسط روحانیون

۵- راه‌اندازی برخی از نظام‌های صنفی روحانیت مانند فعالانی که در عرصه تبلیغ بالینی در بیمارستان‌ها مشغول به فعالیت هستند.

